

آموزش تحلیل سیاسی / ده سؤال از رهبر انقلاب درباره برجام^(۱)

از همان آغاز مذاکرات هسته‌ای در سال ۹۲ تا همین روزهای اخیر، رهبر انقلاب بارها و بارها در دیدارهای مختلف خود، درباره آن، بیاناتی ابراز فرموده‌اند. این بیانات شامل موارد مختلفی می‌شد: از عدم مخالفت ایشان درباره‌ی اصل مذاکره، تا حمایت ایشان از مذاکره‌کنندگان، تا ترسیم خطوط کلی مذاکرات، تا تصویب مشروط برجام، تا واکنش‌هایی که نسبت به بدعهدی مقامات آمریکایی داشته، و تا مطالباتی که از مسئولین نظام در قبال رفتار طرف مقابل داشته‌اند.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۸۱ / چهارشنبه ۲۲ خرداد ماه ۱۳۹۸

مذاکره با آمریکا اگر حماقت نباشد، خیانت است

کیهان: وقتی «دلالتان مذاکره» پس از آن که تهدید نظامی و گسیل ناو جنگی، با در بسته روبرو شد، به میدان مذاکره فرستاده می‌شوند، باید به این سفر هم، طور دیگری نگریست. «تک»های مقاومت یمن علیه متحدان آمریکا پس از رجزخوانی ترامپ هم که جای خود را دارد. درباره سفر وزیر خارجه آلمان به تهران که روز دوشنبه انجام شد و سفر نخست‌وزیر ژاپن که امروز انجام می‌شود، گفتنی‌هایی هست:

۱- دیروز گزارشی به نقل از روزنامه آمریکایی واشنگتن پست درباره ترامپ منتشر شد مبنی بر اینکه، ایشان یک روده راست در شکم ندارد و روزی به طور میانگین، بیش از ۱۲ دروغ می‌گوید، به قول تحلیلگر سی ان ان، بیش از تعداد دفعات دست شستن مردم آمریکا در یک روز! این را گفتیم تا نتیجه بگیریم، برخی در داخل کشور به دنبال مذاکره با فردی با این مشخصاتند! مذاکره با یک دروغگوی متقلب! مذاکره بر سر چه؟

۲- هنوز زمان طولانی از بدعهدی و خلف وعده حریف در «عبرت برجام» نگذشته و مردم خیانت غرب در مذاکرات هسته‌ای را فراموش نکرده‌اند.

۳- احتمالا مخاطب این سفرها، بیش از اینکه مسئولین دولتی و نخبگان سیاسی کشورمان باشند، مردمند، و یکی از اهداف مهم این سفر نیز تاثیر گذاشتن روی افکار عمومی مردمی است که از مذاکره با آمریکا جز خسارت و تحقیر چیزی ندیده‌اند.

۴- می‌گویند «این دو کشور پیشرفته برای میانجیگری آمده‌اند. نگذاریم دست خالی برگردند» میانجیگری برای چه؟ برای مذاکره. مذاکره بر سر چه؟ آیا قرار است بر سر برد موشک‌های آمریکا مذاکره کنیم یا بر سر برد موشک‌های ایران؟ آیا این ما هستیم که زیر تعهداتمان زده‌ایم که سراغ ما آمده‌اند؟

۵- یک عکس یادگاری با یکی از مقامات جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی، یعنی هدیه یک پیروزی بزرگ به ترامپ، یعنی دادن یک برگ برنده برای موجود پلیدی مثل ترامپ برای پیروزی در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری. برای افراد خودشیفته‌ای مثل ترامپ، صرف یک دست دادن با یکی از مقامات جمهوری اسلامی ایران، یعنی پیروزی. راه‌حل اینها نیست. راه‌حل را بارها گفته‌ایم. تغییر نقشه راه و توجه به ظرفیت‌های عظیم داخلی و منطقه‌ای و اعتماد به

توانایی جوانان کشور. مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید، با تحقیقات مفصلی که صورت گرفته به این نتیجه رسیده که می‌توان کشور را بدون نفت اداره کرد.

۶- روز دوشنبه وزیر خارجه کشوری به ایران آمد که اختیار دادن یک باک بنزین به هواپیمای آقای ظریف را ندارد و امروز نخست‌وزیر کشوری به تهران می‌آید که به خاطر فروش یک دستگاه خودرو به سفارت کشورمان در هند، مجبور به عذرخواهی کتبی و رسمی از آمریکا شد.

پرستو یا آشیانه!؟

الف: پرستو کلمه ای که این روزها دیگر فقط نام یک پرنده نیست و بیشتر یک کلمه سیاسی شده است و هشتگ و ترند فضای مجازی. پس از اعتراف آقای نجفی به قتل همسر دوم خود عده ای در فضای مجازی و رسانه‌ای دست به کار شده و با داستان سرایی و ابهام‌افزایی، با پرستو - اجیر شده اشخاص و یا نهاد خاصی برای ورود به زندگی شخصی افراد - خواندن آن مرحومه، قصد تخفیف قتل مرتکب شده توسط آقای نجفی را داشته و این گونه القا می‌کردند که ایشان ناگزیر به ارتکاب قتل شده و تمام تقصیرات را متوجه پرستو و دیگران کردند!

با این جوسازی رسانه‌ای هم نجفی را مظلوم جلوه می‌دادند و هم به نهاد های امنیتی و افراد و جریان سیاسی رقیب اتهام بی اساسی می‌زدند و به این ترتیب فضای جامعه و ذهنیت افراد را تغییر می‌دادند که بله حتما کاسه ای زیر نیم کاسه است و چه دیواری کوتاه تر از دیوار نظام! برای اتهام زدن به آن. برای این طیف همیشه یک مقصر وجود دارد. برای ناکارآمدی و ناتوانایی شان "دیگران" نمی‌گذارند تا کار کنند و برای این چنین فصاحت‌هایی "پرستوها" آقای نجفی با آن هوش و سابقه علمی و مدیریتی و در کمال صحت و سلامت برای خود همسر دومی انتخاب می‌کند. تصاویری شخصی از ایشان و همسرش توسط آن مرحومه در فضای مجازی برای بازدید عموم بارگذاری می‌گردد. عده ای نقد می‌کردند که پخش این تصاویر در شان و شخصیت سیاسی جناب آقای نجفی نبوده و به صلاح ایشان نیست و عده ای می‌گفتند زندگی شخصی ایشان است و به کسی ارتباطی ندارد و باید حرمت نگه داشت. سلیمان. تا اینجا زندگی شخصی ایشان است و به کسی ارتباطی ندارد اما سزاوار است و رسم جوانمردی است وقتی جناب نجفی شخصا به مراجع انتظامی مراجعه کرده و صراحتا اعتراف به قتل همسرش می‌کند، اتهامات را متوجه نهادها و افراد خاصی بکنیم؟ این نهادها و افراد حرمت ندارد!؟ چرا آن زمان زندگی و حریم شخصی بود و غیر قابل نقد، اما حالا شده است پرستو سزاوار تهمت!؟

بر فرض محال و باطل اگر پرستو بودن را هم تایید بکنیم آیا صرف پرستو بودن، هر جنایتی را مجاز می‌کند؟ آیا تا "آشیانه" ای نباشد "پرستو" بی به پرواز در می‌آید!؟ چرا مدام دم از پرستو و صاحبان پرستو می‌زنند و صاحبان آشیانه‌ها را تقبیح نمی‌کنند؟ قطعا نمی‌توان وجود پرستوها را اثبات کرد البته شاید بتوان با آن موج سواری سیاسی و رسانه ای کرد، اما وجود آشیانه را نمی‌توان تکذیب کرد. به زعم آنها عده ای بی اخلاقی می‌کنند و با قصد توطئه و فریب پرستوها را به پرواز در می‌آورند اما آیا چهره های سیاسی و مطرح نباید به جای آشیانه شدن، "تقوا" پیشه کرده و آغوش خود را مامن پرستوها قرار ندهند!؟ پس جایگاه "عزت نفس" و "عفت" و "آبرو" کجاست؟ با وجود یک پرستو باید همه را به باد داد؟ این افراد هیچ فکر کرده اند که چرا باید "آشیانه" این "پرستو" ها باشند؟ چرا به جای تهمت زدن و بی اخلاقی

کردن و پرستو سازی بساط آشیانه ها را جمع نمی کنند؟ تا دیگر هیچ پرستویی جرات پرواز کردن بر آسمان نفس شان را نداشته باشد!

پرستوها چه وجود داشته باشند چه نداشته باشند اما وسوسه شیطان رجیم و هوی و هوس و نفس سرکش انسان وجود دارد که می تواند آشیانه خیلی از رذایل اخلاقی باشد. اخلاق اسلامی را که مدت ها است به پای سیاست بازی قربانی کرده ایم، حداقل رذایل اخلاقی را بعنوان ارزش جا نزنیم و اعمال بد و جنایت ها را برای سلامت جامعه هم که شده توجیه نکنیم و حرمت ها را نگه داریم و دعا کنیم آشیانه بدی ها و وسوسه ها نباشیم و از شر آنها به خدا ی بزرگ پناه ببریم و با آشیانه سازی آبروی خود را از کف ندهیم!

خروج از مدار عربستان

تسنیم: از زمانی که سیاست های عربستان با روی کار آمدن، سلمان بن عبدالعزيز، سیاست تهاجمی به خود گرفته و مداخلات این کشور در دیگر کشورها از جمله جنگ یمن شدت گرفته، کشورهای عربی یکی پس از دیگری در حال فاصله گرفتن از این کشورند به طوری که الان دو یا سه کشور را می توان یافت که همچنان دنباله روی سیاست های منطقه ای عربستان هستند (امارات و بحرین). البته مصر در ظاهر تلاش می کند که از خط مشی عربستان حمایت کند که آن هم به مشکلات داخلی مصر به خصوص مسائل اقتصادی باز می گردد و زمانی که قاهره به مرحله ای از ثبات اقتصادی دست یابد، قطعاً از سیاست منطقه ای ریاض فاصله خواهد گرفت که علائم آن هم اکنون قابل مشاهده است؛ عدم مشارکت مصر در تشکیل ناتوی عربی را می توان در این زمینه تجزیه و تحلیل کرد.

درگیری منطقه ای عربستان از جمله به راه انداختن جنگ در یمن و شکست و ناکامی در آن و نیز درگیری سیاسی این کشور با قطر به انزوای هر چه بیشتر این کشور در منطقه افزوده است و دیگر کشورهای عربی از جمله کویت، عمان و اردن نیز قصد دارند که سیاست مستقلی را در قبال عربستان در پیش بگیرند و در این زمینه تلاش می کنند که خود را به یکی از قدرت های منطقه ای نزدیک کنند. نزدیکی قطر به ایران و ترکیه برای مقابله با تهدیدهای ریاض را می توان دلیلی بر این مدعا دانست.

این کشورهای عربی به دنبال حامیان منطقه ای برای خود هستند و در صدد احیای روابط و ارتقای همکاری نظامی با دیگر قدرت های منطقه از جمله با ایران و ترکیه هستند و با ارتقای امنیت خود مقابل این کشور قصد دارند تا در آینده بتوانند از زیر بار فشارها و تهدید های احتمالی ریاض مصون بمانند چرا که این ترس و هراس را دارند که عربستان همان برخوردی که با قطر در پیش گرفته با آنها هم داشته باشد.

رفتار عربستان در دوره حکمرانی دولت مردان جدید حتی نسبت به متحدین خود رفتاری متفاوت بوده است که در تاریخ مناسبات سیاسی این کشور بی سابقه بوده است این را می توان در برخورد توهین آمیز این کشور با سعدالحریری از متحدان وی در لبنان که سیاست های عربستان را در لبنان پیاده می کرد، مشاهده کرد و اگر نبود دخالت سیاستمداران و حمایت جریان های سیاسی لبنانی شاید وی برای همیشه از قدرت کنار گذاشته می شد.

اردن که روزگاری از حلقه نزدیکان عربستان بوده است نیز در صدد فاصله گرفتن از سیاست های منطقه ای ریاض است. تلاش پادشاهی سعودی برای پیاده کردن «معامله قرن» بدون در نظر گرفتن امان، باعث شده است که امان دل خوشی از ریاض نداشته باشد و صف خود را از عربستان جدا و از سیاست های منطقه ای آن فاصله بگیرد.

همین شرایط را می توان در مناسبات عربستان و ترکیه دو رقیب منطقه ای یکدیگر برای رهبری اهل تسنن به عینه مشاهده کرد به خصوص اینکه دخالت های عربستان در امور داخلی برخی از کشورهای منطقه و ناکام گذاشتن انقلاب های عربی در برخی از کشورهای عربی از جمله مصر موجبات نگرانی آنکارا را فراهم کرده است به طوری که هنوز دولت ترکیه ، السیسی را به رسمیت نشناخته و خواستار آزادی رهبران اخوان از جمله مرسی و دیگر زندانیان سیاسی از زندان های این کشور است. گزارش های منتشر شده درباره دخالت برخی از کشورهای عربی از جمله امارات در کودتا علیه اردوغان نیز بر این نگرانی ترکیه افزوده است و عزم این کشور را برای حمایت از قطر در مقابل تهدیدات عربستان را قطعی تر کرد.

آبی از «آبه» گرم می شود؟

خراسان: شما چه انتظاری از سفر امروز نخست وزیر ژاپن به تهران دارید؟ احتمالا تعداد زیادی ممکن است پاسخ دهند که این سفر «شینزو آبه» سفر یک میانجی میان ایران و آمریکا به تهران است. با توجه به فضای روانی که در این روزها در اطراف این موضوع ایجاد شده چنین برداشتی ممکن است اما این برداشت از سفر «آبه» چقدر مطابق واقع است؟ و نخست وزیر یک کشور دیگر حتی کشوری مانند ژاپن چقدر احتمال دارد که بتواند واسطه حل اختلافات ایران و آمریکا باشد؟

یک میانجی میان ایران و آمریکا حتی برای حل اختلافات دو سال اخیر بر سر کشور بر سر برجام باید چند اقدام مهم انجام دهد. اول این که باید آمریکا را به توافق هسته ای برگرداند و تحریم های فراسرزمینی آمریکا را حذف کند که واضح است چنین اتفاقی یک عقب نشینی بزرگ از سوی آمریکا محسوب می شود از این رو انتظاری محال است. دوم باید آمریکا را وادار کند حداقل در ظاهر از اقدامات خصمانه علیه ایران دست بردارد که این کار هم با سیاست و ژست سردمداران کاخ سفید نظیر ترامپ، بولتون و پمپئو غیر ممکن به نظر می رسد . سوم آن که اساسا سیاست ها و رفتارهای منطقه ای و بین المللی آمریکا و مبانی سیاست خارجی و ایدئولوژی این کشور آن قدر در تضاد با جمهوری اسلامی هست که بتوان گفت یک میانجی نمی تواند این حجم از اختلافات و مسائل را حل کند. اما آن چه انتظار ها از سفر آبه را تا حد زیادی کاهش می دهد آن است که ترامپ و کاخ سفید اگر واقعا به دنبال اعزام میانجی بودند در آستانه سفر «آبه» تحریم علیه پتروشیمی ایران را اعمال نمی کردند و روز گذشته هم از تحریم اینستکس (سازوکار تجاری مالی اروپا برای مراوده با ایران) سخن نمی گفتند تا نخست وزیر ژاپن را خلع سلاح نکنند.

